

اصول پرورش فضائل اخلاقی در فرزندان بر مبنای سیره تربیتی حضرت زهرا (ع.ا.س) روح الله شهریاری*

چکیده

این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی، به واکاوی سیره تربیتی حضرت زهرا (ع.ا.س) پرداخته است تا اصول پرورش فضائل اخلاقی در فرزندان را از دیدگاه ایشان تبیین کند. بهره گیری از این اصول به راهکارهای تربیتی والدین و مربیان جهت می دهد و فعالیت های آنها را در عرصه تربیت هدفمند می کند. در روش تربیتی حضرت زهرا (ع.ا.س)، اصول تربیتی در سه سطح نمود دارد؛ اصول ناظر به والدین، اصول ناظر به فرزندان و اصول ناظر به عمل تربیتی. اصول ناظر به والدین نشان می دهد در منطق تربیتی آن حضرت (ع.ا.س)، تربیت فعل خداست و از این حیث استعانت از خدا برای کسب شایستگی در مقام نمایندگی او لازم است. همچنین، برخورداری از ثبات عاطفی و تخصص از اصول مربوط به والدین است. اصول ناظر به کودک بیانگر لزوم آگاهی از ظرفیت جسمی و روحی فرزندان است. از میان اصول ناظر به عمل تربیتی، هنرگرایی، تحریک حق طلبی، ترجیح عقل گرایی ایمانی بر نازپروری، کرامت پروری و اقدام عملی، در سیره تربیتی صدیقه طاهره (ع.ا.س) اهمیت بیشتری دارند.

* دانش آموخته حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد علوم تربیتی.

Roohollah127@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۲



کلیدواژه‌ها

اصول تربیت، فضائل اخلاقی، سیره حضرت زهرا علیها السلام.

بیان مسئله

موضوع تربیت انسان از آغازین روزهای حیات بشر اهمیت داشته است؛ زیرا در مقایسه با دیگر مخلوقات الهی، انسان بیشترین نیاز را به تربیت و خودسازی دارد و بیشترین تربیت و رشد و کمال را می‌پذیرد (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۷: ص ۱۳). مکاتب و گروه‌های گوناگون بنا بر شناختی که از انسان به دست آوردند، به طراحی شیوه‌های تربیتی همت گماشتند. این شیوه‌ها غالباً از تجربیات خود طراحان برآمده و به همین دلیل انسان از مسیر تربیت حقیقی که ضامن کمال و سعادت اوست، فاصله گرفته است؛ به عبارت دیگر، گستره شناخت حسی و تجربی به پدیده‌های مادی و طبیعی محدود است؛ از این رو، نمی‌توان تنها به شناختی که بر دستاوردهای علوم تجربی استوار است، اعتماد و اکتفا کرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ص ۳۷). عقل نیز محدودیت‌هایی دارد و از کشف آنچه در حیطه فهم او نیست، عاجز است. بنابراین، بدون یاری گرفتن از وحی نمی‌توانیم به طرحی دقیق در تربیت انسان دست یابیم (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ص ۳۱۷). البته این بیان به معنی رد کامل روش‌های معرفتی عقلانی و تجربی نیست، بلکه بیانگر عدم کفایت این دو روش در ادراک همه حقایق هستی است؛ از این رو، بهره‌گیری از هر سه منبع معرفتی (یعنی وحی، عقل و تجربه) ضروری است تا با جمع و ترکیب آن‌ها معرفتی قابل اعتماد به دست آوریم و نوعی تعاضد در منابع معرفتی ایجاد کنیم (نک: عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۲ ص ۳۱۵).

در این پژوهش، برای آنکه در امر تربیت از این سه منبع معرفتی بهره بگیریم، به واکاوی سیره حضرت زهرا پرداخته‌ایم؛ زیرا حضرت زهرا علیها السلام از یک سو، مظهر جمیع اسماء و صفات الهی (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷: ص ۲۷) و برترین نمونه کمال در عرصه‌های مختلف تعلیم و تربیت، سیاست، درایت، شجاعت و... است و از سوی دیگر، به منبع وحی و



معرفت الهی متصل است؛ چنانکه علامه مجلسی در تفسیر حدیث امام باقر علیه السلام که فرمود: «فطمها الله بالعلم»، می گوید:

«یعنی به سبب کثرت علم، از جهل بریده شد و به قدری علم دارد که جهالت هرگز در آن راه ندارد و از آغاز آفرینش از علوم ربانی برخوردار شده است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳: ص ۱۴).

در استنباط اصول پرورش فضائل اخلاقی از سیره حضرت زهرا علیها السلام، از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته ایم و برای تبیین، توجیه یا تأیید دستورالعمل‌های مستخرج گاهی به یافته‌های علوم تجربی و آرا و اندیشه‌های فلاسفه مسلمان استناد کرده‌ایم. پژوهش‌های زیادی درباره موضوع تربیت در سیره اهل بیت علیهم السلام انجام شده است؛ از جمله: احمد قلی‌زاده (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی سیره حضرت معصومین علیهم السلام در جذب و تربیت شاگردان»، به مبانی تعلیم و تربیت و جایگاه آن در سیره اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده و در فصلی نیز به خطبه‌ها و سخنان معصومان پرداخته است. فاطمه صحرائی پاریزی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، با عنوان «بررسی نقش والدین در تربیت عاطفی کودک با بهره‌گیری از سیره امام رضا علیه السلام»، ابتدا تربیت را از نظر اندیشمندان غربی و مسلمان به تفصیل بررسی کرده و در فصل چهارم، برای تحلیل یافته‌ها به سیره امام رضا علیه السلام مراجعه کرده است. حسین مولودی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام در تربیت اعتقادی»، ابتدا به مبانی و اصول تربیت اعتقادی پرداخته و شش اصل را (از جمله تطوّر و سع فکری مخاطب، هدایت از جانب خدا، ارتباط تربیت اخلاقی و اعتقادی با اختیار انسان در انتخاب عقیده) تبیین کرده و در ادامه، با تقسیم روش‌های تربیتی به عام و خاص، مؤلفه‌های هر یک را ارائه کرده است. بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد تاکنون پژوهش متمرکزی درباره سیره تربیتی معصومان، مخصوصاً حضرت زهرا علیها السلام، انجام نگرفته و صرفاً به ارائه گزارش اکتفا شده است. بعضی از پژوهش‌ها نیز از حیثه سیره تربیتی فراتر رفته و سیره اجتماعی و سیاسی اهل بیت علیهم السلام را بررسی کرده‌اند. این پژوهش بر آن است تا با رفع این کاستی‌ها، راهنمای مریبان و والدین در تربیت و پرورش فضائل اخلاقی کودکان باشد.



مفاهیم پژوهش

۱- اخلاق

اخلاق، جمع «خُلُق»^۱، به معنی سرشت باطنی و ناپیدای انسان است و سرشت و سیرت نیز نامیده می‌شود؛ چنان‌که «خُلُق» بر صورت ظاهری و دیدنی انسان دلالت دارد (زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۵: ص ۲۵۷). اخلاق، در اصطلاح، تعاریف مختلفی دارد؛ از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، اخلاق یعنی «ملکات نفسانی و هیئات روحی که باعث می‌شود کارهای زشت یا زیبا، به آسانی از نفس متخلق به اخلاق خاص نشأت گیرد» (جوادی آملی، ۱۳۷۴: ص ۷۷). بعضی از پژوهشگران معاصر که به دنبال تعریف جامع‌تری برای اخلاق بوده‌اند، تعریف زیر را برای حیث اخلاقی - یعنی ملاک تمایز حوزه اخلاق از غیر آن - ارائه کرده‌اند: «تأثیر پایدار فزاینده / کاهنده‌ای که صفات و افعال اختیاری بر / از کمال انسان دارند و زمینه نوعی از ارزش‌گذاری را مهیا می‌کنند، به طوری که پیامدهایی از قبیل کاهش بنیادین رنج و حل مؤثر اختلاف منافع از کارکردهای انحصاری سویه مثبت آن به‌شمار می‌رود» (علیزاده، ۱۳۹۰: ص ۹۹). آیت‌الله مصباح معتقد است: «موضوع علم اخلاق اعم از ملکات نفسانی که فلاسفه اخلاق تاکنون بر آن تأکید داشته‌اند، بوده و شامل همه کارهای اختیاری انسان می‌شود که ارزشی است؛ یعنی متصف به خوب و بد بوده و می‌تواند برای نفس کمالی را فراهم آورد یا موجب رذیلت و نقصی در نفس شود» (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱: ص ۲۱۴). در این پژوهش مراد از اخلاق دیدگاه اخیر است؛ بدین معنی که مراد از فضائل اخلاقی ملکات نفسانی، آداب اجتماعی و اعمال جوارحی و جوانحی است که در کمال نهایی انسان نقش دارند.

۲- تربیت

واژه «تربیت» در زبان فارسی به معنی «پروردن یا پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن و آموختن کودک تا هنگام بالغ‌شدن» آمده است (معین، ۱۳۸۲، ج ۱: ص ۱۰۶۳). تربیت، در اصطلاح، یعنی فعالیتی هدفمند و دوسویه میان مربی و متربی برای کمک به



متربی در تحقق بخشیدن به قابلیت‌های وی و پرورش شخصیت او در جنبه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، جسمی، عاطفی، اخلاقی و عقلانی و... (بهشتی، ۱۳۸۷: ص ۳۵).

۳- سیره

واژه‌شناسان معانی متعددی برای کلمه «سیره» بیان کرده‌اند، مانند روش، طریق، سنت (فیومی، ۲۰۰۱م، ج ۱: ص ۳۶۱). شماری نیز سیره را مثل «فطره» بر وزن «فعله» گرفته‌اند که بر نوع و سبک رفتار دلالت می‌کند (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۳: ص ۳۴۰). سیره، در اصطلاح، نیز در معانی متفاوتی به کار رفته و تعریف واحد و مورد وفاقی برای آن ارائه نشده است. علامه طباطبایی آن را به معنی طریقه و حالت دانسته که برگرفته از مفهوم لغوی آن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ص ۱۹۹). علامه مرتضی مطهری، به دلیل هم‌وزن بودن سیره با «فعله»، سیره را نوع و سبک خاص رفتار دانسته و معتقد است رفتاری که دارای روش و سبک ویژه باشد، مصداق سیره است (مطهری، ۱۳۸۴: ص ۴۷). بعضی نیز مراد از سیره را مطلق قول و فعل معصومان می‌دانند (حسینی‌زاده، ۱۳۹۱: ص ۱۰). در این تلقی، گفتار به دلیل اینکه جزء رفتار آدمی است، از نظر چگونگی صدور از گوینده می‌تواند سیره محسوب شود. در این پژوهش مراد از سیره، دیدگاه اخیر یعنی مطلق قول و فعل حضرت زهرا (علیها السلام) است.

۴- اصول

واژه «اصل» در بیشتر شاخه‌های علمی به کار می‌رود. مراد از اصول تربیت، گزاره‌های تجویزی یا دستورالعمل‌های تربیتی است که از یک سو، با مبانی و از سوی دیگر، با فعالیت‌های تربیت رابطه دارند و راهنمای عملیات تربیت هستند (مصباح و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۲۹۱). اصول تربیتی به مریبان ارائه می‌شود تا مریبان به وسیله آن اهداف تربیت را محقق کنند (همان: ص ۲۹۷). از نظر ماهیت و کارکرد «اصول» و «روش‌ها»ی تربیت از یک سنخ، یعنی جزء دستورالعمل‌ها، هستند و تنها از نظر کلی و جزئی متفاوتند؛ به گونه‌ای که اصول کلی تر از روش‌ها است (باقری، ۱۳۸۹: ص ۸۸). از هر اصل تربیتی می‌توان چند روش



تربیتی استخراج کرد. خود اصول نیز از نظر کلیت برابر نیستند، بلکه ممکن است از یک اصل تربیتی چند اصل جزئی تر استخراج شود (مصباح و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۲۹۳). بنابراین هر دستورالعمل تربیتی که از منبع معرفتی استنباط شده است، اگر ناظر به اهداف تربیتی باشد و قابلیت استخراج روش یا راهکار تربیتی را داشته باشد، اصل نامیده می‌شود؛ بدین دلیل، اصول تربیت در بیان محققان تربیت تنوع و گوناگونی زیادی دارد و به چند اصل خاص منحصر نمی‌شود.

طبقه‌بندی اصول و شیوه استنتاج آن‌ها

گرچه اصول، گزاره‌هایی کلی هستند، می‌توان آن‌ها را از جنبه‌های مختلف طبقه‌بندی کرد؛ مثلاً از نظر کلیت و جزیت (نک: همان، ۱۳۹۱: ص ۲۹۷). در این پژوهش، اصول پرورش فضائل اخلاقی را که از سیره حضرت زهرا علیها السلام استنباط شده است، از حیث متعلق آن‌ها یعنی نسبت آن‌ها با یکی از ارکان تربیت (مربی، متربی، محتوا و ابزار) چنین طبقه‌بندی کرده‌ایم: اصول ناظر به والدین (مربی)؛ اصول ناظر به فرزندان (متربی) و اصول ناظر به عمل تربیتی (محتوا و ابزار). ممکن است در این دسته‌بندی همپوشی وجود داشته باشد، اما جهت غالب و اصالت تعلق در قرارداد هر اصل ذیل یکی از ارکان تربیت مد نظر است.

کشف اصول استنادشده نیز به چند شیوه بوده است: گاهی یک اصل مستقیماً با وصف قول و فعل حضرت استنباط شده است، به گونه‌ای که می‌توان چند روش یا راهکار را از آن استخراج کرد (شیوه مستقیم)؛ گاهی در سیره آن حضرت رفتارها یا توصیه‌هایی وجود دارد که با نگاه تحلیلی و القای خصوصیت از مصداق و مورد می‌توان گزاره‌ای کلی (اصل) را از آن استخراج کرد، به طوری که آن اصل ناظر به روش‌های مختلف از جمله مصداق بیان‌شده از سیره حضرت زهرا علیها السلام است (شیوه غیرمستقیم)؛ حضرت زهرا علیها السلام نمونه یک انسان کامل، پرورش‌دهنده و مربی انسان‌های کاملی مانند حسین علیه السلام و مصداقی از این آیه مبارکه است: ﴿وَمَا يُطِئُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾؛ و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید» (نجم: ۳). رفتار و گفتار حضرت زهرا یقیناً نقش مثبتی در





مسیر رشد و کمال معنوی خود ایشان و دیگران داشته است و از تمام افعال و اقوال او می-توان به منزله الگو و اسوه در مسیر تربیت بهره گرفت. بنابراین راه دیگر برای استنباط اصول تربیتی، ضمیمه کردن رفتار یا قول آن حضرت با یک مقدمه مطویه (چنانکه بیان شد) است. این روش مخصوصاً در اصول ناظر به مربی اهمیت دارد.

۱. اصول ناظر به والدین

از منظر تربیتی حضرت زهرا (علیها السلام) گزاره‌های کلی استنباط می‌شود که بالاصاله ناظر به والدین است. این گزاره‌ها بر نقش والدین در فرایند تربیت تأکید دارند؛ یعنی والدین از آن رو که در امر تربیت دخیل هستند، اقتضائاتی دارند که باید در فرایند تربیت لحاظ شود.

۱-۱. اعتصام و استعانت

بعضی از مریبان، در زمانی اندک، انسان‌های بزرگی را تربیت کرده‌اند. اینان، همان مریبان بااخلاص بوده‌اند (جعفری، ۱۳۹۰: ص ۱۳۷). مربی زمانی می‌تواند دیگران را به خدا پیوند دهد که خود با خدا پیوند داشته باشد. به علاوه، بدان دلیل که غایت پرورش فضائل در مسیر تربیت، توحید و قرب الهی است (باقری، ۱۳۸۹: ص ۸۱)، مربی باید همواره از خدا استمداد کند تا بتواند آنچه موجب رضایت اوست، محقق کند و بر مشکلات این راه غلبه کند. در واقع، «از آنجا که تعلیم و تربیت کار خداست، شایستگی حیا زت مقام نمایندگی خدا را باید از او بخواهیم» (جعفری، ۱۳۹۰: ص ۱۴۸). خداوند در این باره فرمود: ﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾؛ خداوند یگانه را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید، هر چند کافران ناخشنود باشند» (غافر: ۱۴).

در سیره تربیتی زهرا (علیها السلام) استعانت از خدا نمود ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که در وصف عبادتش گفته‌اند: «در تمام دنیا عابدتر از فاطمه یافت نمی‌شود. او به حدی برای عبادت برپا می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ص ۷۵). اعتصام به خدا چنان نمودی در زندگی حضرت دارد که در شیرین‌ترین لحظات زندگی، یعنی شب اول زندگی

۱. قال الحسن البصری: مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا أَعْبَدُ مِنْ فَاطِمَةَ؛ كَانَتْ تَقُومُ حَتَّى تَتَوَرَّمْ قَدَمَاهَا.



مشترک، از علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌خواهد که آن شب را به نماز برخیزند و به عبادت مشغول شوند، چنانکه وقتی فردای آن روز پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از علی عَلَيْهِ السَّلَام پرسید: «همسرت را چگونه یافتی؟» حضرت فرمود: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ؛ بهترین یاور برای اطاعت و عبودیت خداوند» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۳: ص ۳۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲: ص ۱۱۷). استعانت از خدا در سیره حضرت، جلوه‌های قرآنی نیز داشته است؛ برای مثال، در مقام تربیت الهی، راه پرهیز از گمراهی‌ها را استمداد از قرآن می‌دانست و می‌فرمود: «كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهَرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ وَرَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ وَأَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ؛ کتاب خدا در میان شماست، همه چیزش پرنور، نشانه‌هایش درخشانده، نواهی‌اش آشکار و اوامرش واضح است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹: ص ۲۲۵؛ بحرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۱: ص ۶۶۸). زهراء عَلَيْهَا السَّلَام شبانه‌روز با قرآن انس داشت، به تلاوت آن عشق می‌ورزید و فرزندان‌ش را به تلاوت قرآن سفارش می‌کرد: «از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: تلاوت کتاب خدا... نگاه کردن به چهره رسول خدا و انفاق در راه خدا را» (قیومی، ۱۳۸۹: ص ۲۷۶). آن حضرت بر تلاوت سوره‌های واقعه، الرحمن و حدید تأکید می‌کرد و می‌فرمود: «قرائت‌کننده سوره‌های حدید و الرحمن و واقعه در آسمان‌ها، ساکن فردوس خوانده می‌شود» (همان: ص ۱۷۸).

۱-۲. ثبات عاطفی

گاهی ممکن است عواطف والدین با ارزش‌های تربیتی تعارض پیدا کند؛ بدین معنا که اعمال این عواطف فرزند را از کسب فضیلت‌های اخلاقی بازمی‌دارد. این نوع عاطفه‌ورزی به دلیل تعارض با هدف اصیل تربیت، جنبه ضدارزش پیدا می‌کند. بنابراین، ثبات و پایداری عاطفی والدین به مثابه یک اصل تربیتی مطرح است. در قرآن نیز عاطفه‌ورزی در اعمال حدود الهی مذمت شده است. خداوند درباره اجرای حدّ بر مرد یا زن زناکار می‌فرماید: «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»؛ و هرگز درباره آنان در دین خدا رأفت و ترحم روا مدارید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید» (نور: ۲). در سوره حج نیز بی‌ثباتی عاطفی نکوهش شده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ

هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»؛ بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می‌پرستند؛ همین که دنیا به آن‌ها رو کند و نفع و خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می‌کنند. اما اگر مصیبتی برای امتحان به آن‌ها برسد، دگرگون می‌شوند (و به کفر رومی‌آورند. به این ترتیب) هم دنیا را از دست داده‌اند و هم آخرت را. و این همان خسران و زیان آشکار است» (حج: ۱۱). حضرت صدیقه طاهره علیها السلام همیشه در امر تربیت فرزندان‌شان پایداری عاطفی نشان می‌دادند و مصالح معنوی فرزندان‌شان را بر عواطف خود مقدم می‌داشتند. در سیره آن حضرت آمده است، وقتی خبر شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا و چگونگی آن واقعه را از پیامبر شنید، بسیار گریست، اما بدان‌دلیل که این شهادت یک سعادت و فوز عظیم در مسیر تربیت فرزندشان بود، این مصیبت بزرگ را پذیرفت و عرض کرد: «پدرجان، در برابر خواسته خداوند تسلیم و راضی‌ام و به خدا توکل می‌کنم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳: ص ۳۸۴).

۱-۳. دانش و تخصص

بسیاری از مریبان در فراگیری معارف تربیتی نقص بینشی داشته‌اند. این افراد تنها نیم‌رخ‌ری از حقیقت انسان را یافته‌اند و انسان را در همان نیم‌رخ میخ‌کوب کرده‌اند (جعفری، ۱۳۹۰: ص ۱۴۰). تربیت‌دهی فرع تربیت‌شناسی و تعلیم فرع تعلم است؛ پس والدین ابتدا باید دانش و تخصص لازم را برای تربیت و پرورش فضائل داشته باشند، اهداف و مقاصد خلقت انسان و هستی را دریافته باشند، غایت تربیت را درک کرده باشند و درباره استعداد‌های تربیتی شناخت کافی داشته باشند تا بتوانند به امر تعلیم بپردازند. دانش و تخصص به مثابه اصل تربیتی برای مریب ضرورت دارد؛ چراکه در فرایند تربیت، مرحله تعلیم و آموزش معارف اخلاقی بخش مهمی از این فرایند را شکل می‌دهد. به اعتقاد شهید مطهری، دلیل اینکه بسیاری از افراد - حتی تحصیل کرده‌ها - معارف دینی را انکار می‌کنند و از آن‌ها روی گردانند، این است که مفاهیم مذهبی و دینی به‌درستی به آن‌ها تعلیم نشده است (مطهری، ۱۳۸۹ «الف»: ص ۵۶). به همین دلیل است که حضرت زهرا علیها السلام به مسئله علم‌آموزی بسیار اهمیت می‌داد و آموزنده علم را دارای اجر بسیار می‌دانست و خود نیز در



این راه از مقام علمی ممتازی بهره‌مند بود. اگر حضرت زهرا توانست شخصیت‌هایی مانند حسین علیه السلام تربیت کند، به یقین یکی از دلایل آن، بهره‌مندی او از علم و معرفت بود. همچنین، حضرت برای تربیت دیگران نیز با صبر و حوصله به سؤالات فقهی آنان پاسخ می‌داد تا مسیر تربیت الهی آن‌ها هموار شود. یکی از زنان مدینه خدمت حضرت زهراء علیها السلام رسید و گفت: «مادر پیری دارم که درباره نماز، سؤالات فراوانی دارد و مرا فرستاده است تا آن مسائل شرعی را از شما بپرسم». حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «پرس». آن زن، مسائل بسیاری را مطرح کرد و برای هریک از آن‌ها پاسخ شنید. در ادامه گفت و شنود، آن زن از کثرت پرسش‌ها خجالت کشید و گفت: «ای دختر رسول خدا، از اینکه فراوان خدمت می‌رسم و با سؤالات زیاد شما را به زحمت می‌اندازم، معذرت می‌خواهم». فاطمه علیها السلام فرمود: «باز هم بیا و هرچه سؤال برایت پیش می‌آید، پرس. آیا اگر کسی اجیر شود که بار سنگینی را به بالای بام ببرد و به پاداش آن ده هزار دینار طلا مزد بگیرد، چنین کاری برای او دشوار خواهد بود؟» گفت: «خیر». حضرت ادامه داد: «من در ازای هر مسئله‌ای که پاسخ می‌دهم، بیش از فاصله بین زمین و عرش، جواهر و لؤلؤ پاداش می‌گیرم؛ پس سزاوار است که بر من سنگین نیاید» (محدث‌نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷: ص ۳۱۸).

۱-۴. نقش بی‌بدیل مادر

امور بسیاری در رشد و پرورش فضائل اخلاقی فرزندان نقش دارند. این امور تفاوت‌هایی از حیث نوع تأثیر - مقتضی و مانع - و شدت تأثیرگذاری، با یکدیگر دارند (مصباح و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۳۷۷). بعضی از این امور را می‌توان اصل تربیتی به‌شمار آورد؛ به گونه‌ای که حذف آن‌ها از فرایند تربیت، تحقق بخشی از اهداف و نیز اعمال بعضی از روش‌های تربیتی را با مشکل مواجه می‌کند. در سیره تربیتی حضرت فاطمه علیها السلام نکته ظریفی در این باره وجود دارد؛ حضرت، وجود مادری مهربان را برای تربیت فرزندان (بعد از شهادت خود) ضروری می‌دانست، به گونه‌ای که پیش از شهادت، به حضرت امیر علیه السلام درباره تربیت فرزندان چنین وصیت فرمود:



«علی جان، درباره فرزندانم به تو سفارش مهربانی و خوش رفتاری می‌نمایم و سفارش می‌کنم که پس از من با دختر خواهرم، امامه^۱، ازدواج کنی؛ زیرا او همانند من به فرزندانم دلسوز و مهربان است» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ص ۳۲۱؛ محدث‌نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ص ۳۶۰).

این سفارش می‌تواند مؤید این نکته باشد که نقش مادر در پرورش فضائل اخلاقی کودکان اصالت دارد و افراد دیگر مانند پدر، مربی، معلم، دوست و... نمی‌توانند این نقش را ایفا کنند. در سیره تربیتی آن حضرت درباره تربیت امام حسین علیه السلام چنین آمده است: «سلمان می‌گوید: روزی فاطمه زهرا علیها السلام را دیدم که مشغول آسیاب بود. در این هنگام فرزندش، حسین، گریه می‌کرد. عرض کردم: برای کمک به شما آسیاب کنم یا بچه را آرام کنم؟ فرمود: من به آرام کردن فرزندم اولی هستم، شما آسیاب را بچرخانید» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳: ص ۲۵۷). پژوهش‌های علوم تجربی نیز مؤید چنین دیدگاهی است؛ تحقیقات روان‌شناسان نشان می‌دهد نقش مادر در این تأثیرگذاری بی‌بدیل است؛ به طوری که حذف مادر از فرایند تربیت صدمات روحی جبران‌ناپذیری به کودکان وارد می‌کند. مطالعات روان‌شناسان درباره ناراحتی‌ها و اختلالات عاطفی کودکان نشان می‌دهد دلیل بیشتر این اختلالات محرومیت از مادر است. کندی در سخن گفتن، کاهش بهره هوشی، کاهش میزان جنب و جوش، پرخاشگری، اختلال حواس، ضعف استعداد تفکر انتزاعی و... را می‌توان از آثار محرومیت از مادر به‌شمار آورد (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۸: ص ۷۲)؛ از این رو، مادر در امر تربیت، عاملی بی‌جانشین است و با توجه به اینکه بخش مهمی از اهداف تربیتی را محقق می‌کند، یکی از اصول تربیتی شمرده می‌شود. افزون‌براین، شماری از روش‌ها و حتی اصول تربیتی با نظر به این اصل فراهم می‌آیند و گاهی نیز نقش مادر

۱. أمانة بنت ابي العاص بن ربيع، نوه دختری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مادر او زینب (دختر پیامبر و خدیجه) و پدرش ابوالعاص بن ربيع بود. زینب بزرگ‌ترین دختر رسول‌الله و خدیجه بنت خویلد بود (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۱۱: ص ۴۹۴). او هنگامی که پیامبر اکرم سی ساله بود، در سال سی‌ام عام‌القیل به دنیا آمد. او با ابوالعاص بن ربيع ازدواج کرد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ص ۳۹۷). از نظر برخی محققان شیعه مانند سید جعفر مرتضی‌عاملی، زینب، رقیه و ام‌کلثوم فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه نبوده‌اند، بلکه دخترخوانده‌های پیامبر صلی الله علیه و آله بوده‌اند، اما بیشتر تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان معتبر از جمله طبری تصریح کرده‌اند که او بزرگ‌ترین دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۱۱: ص ۴۹۴).



حاکم بر آنها است؛ برای نمونه هنگامی که موضوع مریبان جایگزین (مانند مربی مهد کودک، خدمتکار، دایه، معلم یا پدر) مطرح می‌شود، هیچ‌یک از این جایگزین‌ها نمی‌توانند با نقش مادر برابری کنند.

۲. اصول ناظر به فرزندان

در این بخش به اصول مستنبط از سیره تربیتی حضرت زهرا علیها السلام اشاره می‌شود که دلالت‌های آن‌ها با اصاله به شخص متربی و گوناگونی مریبان معطوف است؛ هر چند بالعرض در مقام عمل تربیتی هم باید بدان‌ها توجه شود. در این بررسی یک اصل استنتاج شد. برای استنباط اصول دیگر به تحقیق بیشتری در این زمینه نیاز است.

۲-۱. ظرفیت‌شناسی

پرورش فضائل را باید با توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جسمی و روحی کودک انجام داد. رعایت ظرفیت و توان کودک، به‌طور عمده، دو مصداق دارد: «یکی در مواردی که مربی وظیفه‌ای را از متربی طلب می‌کند (اقدامات تربیتی الزام آور)؛ و دیگری در جایی که مربی تکلیفی از متربی نمی‌خواهد، بلکه صرفاً به اقداماتی برای تربیت متربی، از قبیل آمادگی یا عادت‌یابی وی، دست می‌زند (اقدامات غیر تکلیف آور)» (اعرافی، ۱۳۹۴: ص ۶۲). حضرت زهراء علیها السلام در تربیت حسنین علیهما السلام به این نکته توجه داشت و تربیت را بر ظرفیت‌های فرزندان خود استوار می‌کرد. هنگامی که مسلمانان به دلیل کمبود آب در مضیقه بودند، حضرت زهراء علیها السلام حسنین علیهما السلام را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورد و عرض کرد: «یا رسول الله، فرزندان من خردسال‌اند و تحمل تشنگی را ندارند». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که نگرانی دخترش را به‌جا دید، زبان مبارکش را در دهان حسنین علیهما السلام قرار داد و با ترکردن دهان آن‌ها، حضرت زهراء علیها السلام را از نگرانی درآورد و دو طفل کوچکش را نیز از تشنگی شدید نجات داد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۹۴). با توجه به وضعیت سخت زندگی مسلمانان و کمبود آب، ممکن است این درخواست نوعی خودخواهی جلوه کند یا رفتار حضرت را در سطح رفتار مادران دیگر که به‌طور طبیعی اقدام به رفع تشنگی فرزندان خود





می‌کنند، تنزل دهد، اما این دو اشکال با توجه به نکاتی که در تبیین شخصیت علمی و الهی حضرت علیها السلام بیان شد نمی‌تواند مورد اعتنا باشد؛ چرا که خودخواهی یا بروز رفتاری که صرفاً از عواطف نشأت گرفته و نقش تربیتی نداشته باشد، از ساحت آن وجود مقدس دور است. این اقدام حضرت علیها السلام حتماً نقش مؤثر و مثبتی در تربیت فرزندان داشته است. بنابراین این رفتار باید از حیث تربیتی آن هم به‌منزله عامل مثبت بررسی شود. در تحلیل تربیتی این اقدام می‌توان پرسید که چرا حضرت زهرا سعی نکرد تحمل سختی‌ها را به فرزندان آموزش دهد تا برای تحمل تکالیف دینی، در آن‌ها آمادگی یا عادت‌یابی تربیتی ایجاد شود؟ پاسخ را در کلام خود حضرت می‌توان یافت: «فرزندان من خردسال‌اند». این تحلیل بیانگر ظرفیت‌شناسی در فرایند تربیت است. در اقدامات تربیتی الزام‌آور و اقدامات غیرتکلیف‌آور - برای عادت‌دهی - باید به ظرفیت‌های جسمی و روحی کودک توجه ویژه داشت و عادت‌دهی یا تکلیف‌دهی و الزام تربیتی را با توجه به ظرفیت‌های کودک اعمال کرد. این اصل می‌تواند ناظر به روش‌های اساسی در تربیت باشد، مانند: تکلیف به‌قدر وسع، مجازات به‌قدر خطا.

۳. اصول ناظر به عمل تربیتی

مراد از عمل تربیتی فرایند شکل‌دهی تربیت با استفاده از محتوا و ابزارهای لازم است. بعد از فراهم آوردن آمادگی لازم در مربی و توجه به ظرفیت‌های متربی، باید از گزاره‌هایی برای رشد فضائل اخلاقی و سوق‌دادن متربی به سوی اهداف تربیتی بهره گرفت.

۳-۱. هنرگرایی

استفاده از ظرفیت‌های هنر به‌ویژه بعضی از نمادهای آن مانند شعر، استعاره، تشبیه و ایجاز نقش مؤثری در رشد معنوی و پرورش فضائل اخلاقی در فرزندان دارد. هنر وقتی در خدمت رشد و تعالی انسان قرار گیرد، ارزش ذاتی خواهد داشت (جعفری، بی‌تا: ص ۱۳۷). هنر در کنار آگاهی‌ها، باورها و اخلاق موجب رشد فرهنگی و ایجاد جامعه متعالی و انسان‌های باکمال می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۳۵۳). امروزه با توجه به کاستی‌های

تربیت مستقیم، متخصصان تعلیم و تربیت به سوی بهره‌گیری از روش‌های غیرمستقیم، مانند استفاده از ابزار هنر، رفته‌اند (صابری، ۱۳۹۱: ص ۱۱۴). با ابزار هنر می‌توان عواطف کودک را تحریک کرد و در جهت مطلوب به کار گرفت. استفاده از ابزارهای هنری در سیره تربیتی حضرت زهرا آشکار است؛ نقل شده است که حضرت با فرزندش امام حسن علیه السلام بازی می‌کرد و از شعر برای القای مفاهیم تربیتی به او بهره می‌گرفت. فرزندش را بالا می‌انداخت و می‌فرمود: «إِشْبَهُ أَبَاكَ يَا حَسَنُ وَاخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الْوَسْنَ وَاعْبُدِ الْهَأْ ذَامِنَّ وَا لَا تُوَالِ ذَا الْإِخْنِ؛ پسر من حسن، مانند پدرت باش، ریسمان ظلم را از حق برکن، خدایی را بپرست که صاحب نعمت‌های متعدد است و هرگز با صاحبان ظلم و تعدی دوستی مکن» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳: ص ۲۸۶). همچنین، وقتی فرزندش حسین علیه السلام را بازی می‌داد، می‌فرمود: «أَنْتَ شَبِيهُ بَأَبِي لَسْتَ شَبِيهاً بَعْلِي؛ تو به پدر من (پیامبر) شبیهی و به پدرت، علی، شباهت نداری» (همان‌جا). این اصل تربیتی در تعلیم بسیاری از روش‌های تربیتی کارآمد است و سبب پایداری آموزه‌های تربیتی می‌شود.

۳-۲. اولویت رتبی الگوها

الگو، در اصطلاح، به فردی گفته می‌شود که به دلیل داشتن خصوصیتی، شایسته تقلید و پیروی است. از الگو در آیات و روایات به «أسوه» و «قدوه» تعبیر شده است (قائمی‌مقدم، ۱۳۸۲: ص ۲۵). تأکید بر الگویابی، اولاً بر این اساس است که انسان از محیط اجتماعی و انسان‌های دیگر تأثیر می‌پذیرد و ثانیاً مبتنی بر گرایش فطری انسان به سوی کمال است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ص ۶۳). این اصل در سیره حضرت زهراء علیها السلام نمود ویژه‌ای دارد؛ حضرت به معرفی الگو می‌پرداخت و به فرزندان خود سفارش می‌کرد از الگو پیروی کنند: «پسر من حسن، مانند پدرت باش؛ ریسمان ظلم را از حق برکن، خدایی را بپرست که صاحب نعمت‌های متعدد است و هرگز با صاحبان ظلم و تعدی دوستی مکن» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳: ص ۲۸۶). آنچه در این‌باره قابل تأمل است این است که حضرت، در معرفی الگو نوعی اولویت و تقدم و تأخر را رعایت می‌کرد؛ با وجود اینکه پیغمبر اسلام اشرف خلائق هستند و منزلت آن حضرت از همه انبیا و ائمه اطهار بالاتر است، حضرت زهرا،



امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به عنوان الگوی حسنین معرفی می‌کرد. شاید حکمت این باشد که در معرفی الگو باید الگویی که از نظر مکانی، معاشرتی و نسبی قریب‌تر است، مقدم شود. بنابراین می‌توان بر این نکته تأکید کرد که الگوی عینی بر ذهنی و الگوی قریب بر بعید ترجیح دارد. نکته دیگری که در سیره تربیتی حضرت مشاهده می‌شود این است که ایشان فضیلت الگو را مشخص کرده است؛ یعنی در معرفی الگو لازم است مشخصه ممتاز الگو تعیین شود.

۳-۳. مراقبت و نظارت

پرورش فضائل در فرزندان مانند رشد و پرورش نهالی است که به مراقبت نیاز دارد. مراقبت و نظارت در دوران پرورش فضائل اخلاقی کودک ضروری است؛ یعنی از هنگامی که نطفه فرزند بسته می‌شود تا وقتی که به بلوغ و رشد می‌رسد (حسینی زاده، ۱۳۹۱: ص ۱۳۱). انسان از یک سو، همواره تحت تأثیر عوامل محیطی است و از سوی دیگر، درجات کمال برای انسان پایان‌ناپذیر است و پیشرفت مادام‌العمر او را فراهم می‌سازد (مصباح و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۳۱۴)؛ به همین دلیل، نظارت و مراقبت باید تا زمانی استمرار یابد که فضائل در کودک به «شاکله» تبدیل شود: ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ﴾؛ هریک بر پایه شاکله خود رفتار می‌کنند (اسراء: ۸۴). ویژگی اصلی شاکله، استواری و پایداری آن است؛ به گونه‌ای که بر فکر و احساس و نیت و اراده اعمال و رفتار فرد احاطه دارد (باقری، ۱۳۸۹: ص ۱۲۶). مراقبت ابعاد مختلفی دارد که عبارتند از: جسمی، روحی و روانی، غذایی، پوشش و لباس، دوستان و همسالان، شناختی و بینشی. حضرت زهراء علیها السلام با محبت خاصی که به فرزندان داشت، مراقب تمام رفتارهای آنان بود و به‌دقت آن‌ها را زیر نظر داشت تا در تربیت صحیح آن‌ها مشکلی پدید نیاید. نقل شده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عازم خانه حضرت فاطمه شد. چون به خانه رسید، دید فاطمه مضطرب پشت در ایستاده است. فرمود: «چرا اینجا ایستاده‌ای؟» فاطمه علیها السلام با صدایی مضطرب عرض کرد: «فرزند نام صبح بیرون رفته‌اند و تاکنون هیچ خبری از آن‌ها ندارم». پیامبر به دنبال آن‌ها روانه شد. چون به نزدیک غار جبل رسید، آن‌ها را دید که در کمال سلامت مشغول بازی بودند. آن‌ها را به دوش گرفت و به سوی مادرشان روانه شد (شیبانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ص ۲۴۲).



۳-۴. تعلیم فضائل در آداب

از نظر بعضی از اندیشمندان، آداب به اقتضای زمان تغییر می‌کنند؛ یعنی نسبی هستند و وابسته به قراردادهای و اساساً مربوط به اخلاق نیستند (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲: ص ۱۶۸). بنابراین در تعلیم آداب باید اقتضائات زمانی و مکانی رعایت شود. این نکته در جای خود درخور دقت و بررسی است، اما آنچه در منطق تربیتی حضرت زهرا علیها السلام دیده می‌شود این است که آداب فردی و اجتماعی جنبه نسبی محض ندارند؛ چراکه حضرت ادب‌آموزی را با فضیلت‌آموزی همراه می‌کرد و در واقع، از ادب‌ورزی به فضیلت‌پروری پل می‌زد و جنبه اطلاق (درمقابل نسبی) به آداب می‌بخشید. در سیره حضرت آمده است که در آموزش آداب غذاخوردن فضائل تربیتی را با آداب غذاخوردن عجين می‌کرد و می‌فرمود:

«بر سر سفره غذا، دوازده کار نیک وجود دارد که سزاوار است هر مسلمانی آن‌ها را بشناسد؛ چهار مورد واجب، چهار مورد مستحب و چهار مورد نشانه ادب و بزرگواری است. اما چهار عمل واجب عبارتند از: شناخت و معرفت پروردگار، راضی بودن به نعمت‌های خدا، گفتن بسم الله الرحمن الرحيم در آغاز غذاخوردن و شکر خدا در پایان آن. و چهار عمل مستحب عبارتند از: وضوگرفتن قبل از غذاخوردن، نشستن به جانب چپ؛ غذاخوردن در حالت نشسته و با سه انگشت. و چهار عملی که نشانه ادب و بزرگواری است: از غذای پیش روی برداشتن، لقمه‌ها را کوچک برداشتن، غذا را به خوبی جویدن و کمتر نگاه کردن در صورت دیگران» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ص ۳۵۹).

چنانکه حضرت تصریح کرده‌اند، شماری از این موارد از جمله آداب است و بعضی در زمره اخلاقیات. این همراهی می‌تواند بیانگر یک اصل تربیتی باشد و در نتیجه، ناظر به چند روش تربیتی است، از جمله: (۱) در فرایند تعلیم معارف تربیتی نباید میان آداب و اخلاق تفکیک صورت گیرد؛ (۲) آداب همانند اخلاقیات از نظر معرفت‌شناختی مطلق هستند (نه نسبی)، بنابراین در آموزش آداب نیاز نیست وضعیت زمانی و مکانی را لحاظ کرد؛ (۳) راه درست آموزش فضائل اخلاقی، همراه کردن آن‌ها با آداب است، زیرا آداب جنبه ظاهری و محسوس دارند. با این روش، آموزش فضائل هم جنبه عینی پیدا می‌کند و یادگیری بهتر و ماندگارتر می‌شود.



۳-۵. تحریک حق طلبی (مسئولیت)

یکی از گرایش‌های اصیل فطری در نهاد انسان حقیقت‌طلبی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱: ص ۲۱۵). قرآن وجود این گرایش را در انسان تأیید و بر آن به منزله یک اصل تربیتی تأکید کرده است (همان: ص ۲۵۲). تحریک حق طلبی از آن رو می‌تواند اصل تربیتی باشد که از یک سو، با مبانی انسان‌شناختی تربیت پیوند دارد و ناظر به گرایش فطری حقیقت‌طلبی است و از سوی دیگر، اهداف تربیتی را تحقق می‌بخشد. افزون‌براین، حق طلبی گزاره‌ای تجویزی و کلی است که می‌تواند ناظر به روش‌هایی مانند دعوت به ایمان، ابتلا و... باشد (نک: باقری، ۱۳۸۹: ص ۱۴۸). تأکید بر حق طلبی در سیره تربیتی حضرت زهرا علیها السلام نیز نمود دارد. حضرت، در خطبه «فدکيه»، با سرزنش انصار به تحریک حق طلبی آن‌ها پرداخت: «إِيهَا بَنِي قَيْلَةَ، أَأَهْضِمُ ثَرَاثُ أَبِيهِ وَ أَنْتُمْ بِمَرْأَى مِنْهُ وَ مَسْمَعٌ؟ تَلْبُسُكُمْ الدَّعْوَةَ وَ تَسْمَلُكُمْ الْحَيْرَةَ؛ ای فرزندان قيله، آیا ارث من پایمال گردد و شما آشکارا می‌شنوید و می‌بینید و در جلسات شما این معنی گفته می‌شود و اخبارش به خوبی به شما می‌رسد و باز هم خاموش نشسته‌اید» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹: ص ۲۴۴). همچنین، در ماجرای غصب فدک، هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به خانه‌های مهاجرین و انصار می‌رفتند تا آن‌ها را به یاری بطلبند، حسین علیه السلام را نیز به همراه خود می‌بردند (شیخ مفید، ۱۳۷۹ق: ص ۱۸۴). این همراهی، احساس مسئولیت و الزام درونی را در فرزندان برمی‌انگیزد. به اعتقاد مصباح یزدی (۱۳۹۱، ج ۱: ص ۲۵۳) رشد حق طلبی از دو راه محقق می‌شود؛ یکی، از راه تحریک و برانگیختن این گرایش و توجه دادن انسان به وجود آن و دوم، از راه تعیین مصداق و شناساندن حق که باعث آشکارتر شدن متعلق این گرایش و جهت آن می‌شود و نهایتاً انسان را به سوی شناخت حقایق و معرفت حق تعالی سوق می‌دهد. هنگامی که حضرت زهرا، حسین علیه السلام را برای گرفتن حق خود، به همراه می‌برد، مصداق حق طلبی را تعیین می‌کند و وقتی به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «حسن جان، مانند پدرت باش و ریسمان از گردن حق بردار، خدای احسان‌کننده را پرستش کن و با دشمن کینه‌توز دوستی نکن» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳: ص ۲۸۶)، حق طلبی را در فرزندان برمی‌انگیزد.





۳-۶. کرامت پروری

از نظر استاد مطهری رحمته الله علیه عزت و کرامت نفس ام‌المسائل اخلاقی است (مطهری، ۱۳۸۹ «ب»): ص ۱۴۷). در احادیث بر اهمیت و کارکردهای تربیتی کرامت نفس تأکید شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «مَنْ كَرَّمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتُهُ؛ هر کس نفسش کرامت پیدا کرد، شهواتش در نظرش کوچک می‌شوند» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: حکمت ۱۵۵). اوج عزت‌دهی را می‌توان در سبک تعامل حضرت زهراء علیها السلام با فرزندان‌شان یافت. آن حضرت با خطاب‌های محبت‌آمیزی که موجب تقویت کرامت و عزت فرزندان‌شان می‌شد، با آنان سخن می‌گفت. در حدیث شریف «کساء»^۱ آمده است: «إِذَا بَوَّلَدِي الْحَسِينَ قَدْ أَقْبَلَ وَ قَالَ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أُمَّةَ قُفُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَ ثَمَرَةَ فُؤَادِي؛ ناگاه فرزندم، حسن، وارد شد و گفت: ای مادر، سلام بر شما. گفتم: سلام بر تو، ای روشنی چشم و میوه دل من» (بحرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۱: ص ۹۳۱).

۳-۷. کردار مؤثرتر از گفتار است (اهمیت اقدام عملی)

به اعتقاد علامه جعفری بهترین راه شکل دادن به رفتار تربیتی، اقدام عملی مربی است؛ چراکه عمل نسبت به آموزش و گفتار تحقق عینی‌تری دارد، درحالی‌که الفاظ صرفاً آینه‌هایی هستند که مفاهیم را نشان می‌دهند و اگر بایسته و شایسته باشند ممکن است در تربیتی مؤثر افتند (جعفری، ۱۳۹۰: ص ۱۶۴). علاوه بر اینکه عمل مربی، به آموزش‌های تربیتی جنبه عینی می‌دهد، موجب ایجاد انگیزه و تحریک عاطفی در تربیتی می‌شود؛ چراکه عمل نشان می‌دهد عمل‌کننده به کاری که انجام می‌دهد معتقد است. بنابراین کردار عینی مربی می‌تواند اصلی مهم در فرایند تربیت باشد و بخشی از اهداف تربیتی را محقق کند. امام حسن علیه السلام فرمود: «مادرم، فاطمه علیها السلام، را دیدم که شب جمعه در محراب خویش به

۱. درباره صحت سند این حدیث شکی نیست. محدثان بزرگ آن را در کتب معتبر خود نقل کرده‌اند. این حدیث اصطلاحاً مستفیض است و حتی با تحقیقی گسترده می‌توان تواتر را درباره آن تأیید کرد. این رویداد در جامعه اسلامی به قدری معروف شد که روز وقوع آن، «روز کسا» نامیده شد و خمسه طیبه‌ای که مشمول عنایت خاص الهی در آن روز شدند، به اصحاب کسا ملقب گردیدند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۱: ص ۲۸). در برخی از کتب شیعه نیز این روایت نقل شده است، از جمله در «الامالی» شیخ طوسی، ص ۳۶۸ و ۵۶۵.

عبادت ایستاده بود و پیوسته در رکوع و سجود بود تا اینکه سپیده صبح بردمید و از او می شنیدم که برای مردان و زنان مؤمن دعا می کرد و نامشان را بر زبان جاری می ساخت و برای ایشان بسیار دعا می کرد، ولی برای خودش هیچ دعا نمی کرد. به او گفتم: ای مادر، چرا همان گونه که برای دیگران دعا می کنی، برای خود دعا نمی کنی؟ فرمود: یا بُنی الجار ثُمَّ الدار؛ ای پسرکم، نخست باید همسایگان را دریافت، آنگاه به خانه پرداخت» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ص ۱۱۳). همچنین روایت شده که فرزندان فاطمه علیها السلام همیشه شاهد بودند که مادرشان به مردم کمک می کرد و خود گرسنه می ماند و به قیمت گرسنگی خود دیگران را سیر می کرد (همان جا).

۳-۸. ترجیح خردورزی ایمانی بر نازپروری

یکی از اصول مهم دیگری که بانوی بزرگ اسلام در منطق تربیتی خود بر آن پایبند بود، این بود که خردورزی عقلانی - ایمانی را جانشین عواطف غیرمنطقی می کرد؛ به عبارت دیگر، علاوه بر آنکه بر مهرورزی و عزت دهی تأکید داشت، از محبت های بی جایی که موجب نازپروردگی فرزندان شود و آنها را از کسب فضائل اخلاقی و معنوی باز دارد، اجتناب می کرد و همواره خردورزی ایمانی را بر نازپروردگی ترجیح می داد. در سیره تربیتی آن حضرت می بینیم که فرزندان را با مشقت های عبادت آشنا می کرد؛ برای مثال، در شب های قدر به چهره فرزندان آب می زد تا نخوابند و شب قدر را درک کنند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۶: ص ۲۴۱). علامه جعفری در تبیین این اصل تربیتی چنین گفته است: «در انتقال از احساسات به دوران تعقل، بیان روشن و قانع کننده در تعلیم امتیازات تعقل و ضرورت مراعات احکام آن - که ارتباط انسان را با واقعیت منطقی تر می سازد - لازم است تا ریشه احساسات را نخشکاند» (جعفری، ۱۳۹۰: ص ۱۹۳)؛ بدین معنی که در این انتقال لازم است کودک دلیل سختی و مشقت یا علت حرمان محبت را بفهمد. بنابراین مادر باید برای فرزندش تبیین کند که چرا او را از محبت ظاهری محروم کرده است؛ چنانکه حضرت زهرا علیها السلام دلیل بیدار نگه داشتن فرزندانش را برای آنها توضیح می داد و می فرمود: «محروم است کسی که از برکات شب قدر محروم بماند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۶: ص ۲۴۱).



نتیجه‌گیری

در این پژوهش، اصول پرورش فضائل اخلاقی در فرزندان بر مبنای سیره تربیتی حضرت زهرا علیها السلام بررسی شد و سه سطح از اصول به دست آمد که ناظر به سه رکن تربیت یعنی مربی، متربی و تجویزات تربیتی (محتوا و ابزار) است. شماری از این اصول از دستورالعمل‌های جزئی و با الغای خصوصیت از مورد به دست آمد و بعضی با وصف قول و فعل حضرت علیها السلام، اصول ناظر به والدین (مربی) عبارتند از: ثبات عاطفی، تربیت‌شناسی، استعانت از خدا و نقش بی‌بدیل مادر به منزله عامل مهم در فرایند تربیت. در بخش اصول ناظر به کودک به اصل ظرفیت‌شناسی کودک دست یافتیم.

در بخش اصول ناظر به عمل تربیتی نیز مواردی استنباط شد؛ از جمله اینکه استفاده از هنر و نمادهای آن اصل مهمی در القای محتوای تربیتی است و کرامت‌پروری و حق‌طلبی نیز از اصول محوری به شمار می‌روند. همچنین، لازم است تعلیم فضائل و آداب با هم انجام شود و تقدم و تأخر زمانی در آموزش آن‌ها وجهی ندارد. مراقبت و نظارت نیز از دیگر اصول استنباط شده است و بیانگر این است که فرزندان در فرایند تربیت و شکوفایی فضائل اخلاقی به مراقبت و نظارت مستمر نیاز دارند. اقدام عملی مربی و ترجیح خردورزی ایمانی بر نازپروری هم از دیگر اصول استنباط شده از سیره حضرت زهرا است.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام نجف: مکتبه الحیدریه.
۴. اعرافی، علیرضا و تقی مهری رمی (۱۳۹۴)، «نقش رعایت توان متربی در تربیت عبادی از منظر فقهی»، دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی، ش ۳، ص ۶۲ - ۷۸.
۵. باقری، خسرو (۱۳۸۹)، نگاهی به تربیت اسلامی، ج ۱ و ۲، چاپ بیست و یکم، تهران: مدرسه.
۶. بحرانی، عبدالله بن نورالله (۱۳۸۲)، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، تصحیح محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم: مؤسسه الامام المهدی (عج).
۷. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷)، انساب الاشراف، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۸. بهشتی، محمد (۱۳۸۷)، مبانی تربیت در قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. جعفری تبریزی، محمدتقی (بی تا)، زیبایی و هنراز دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
۱۰. _____ (۱۳۹۰)، ارکان تعلیم و تربیت، چاپ سوم، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۴)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، مبادی اخلاق در قرآن، قم: اسراء.
۱۲. _____ (۱۳۸۹)، آفاق اندیشه، چاپ دوم، قم: اسراء.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، مشهد: صهبا.
۱۵. حسینی زاده، علی (۱۳۹۱)، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت، چاپ یازدهم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



۱۶. زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، تاج العروس، بیروت: دار الفکر.
۱۷. سلیمانی، محمد (۱۳۹۰)، نقش الگوها در تربیت انسان، مشهد: ضریح آفتاب.
۱۸. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۹. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۸)، روان شناسی رشد، تهران: مؤسسه اطلاعات.
۲۰. شیبانی، احمد بن حنبل (۱۴۲۱ق)، مسند، چاپ سوم، مصر: مؤسسه قرطبه.
۲۱. شیخ مفید (محمد بن محمد بن محمد بن نعمان) (۱۳۷۹ق)، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. صابری، رضا (۱۳۹۱)، «کاربرد زیباگرایی و هنر در تربیت دینی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، سال ۷، ش ۱، ص ۱۱۳-۱۳۴.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۴. طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷)، تاریخ الأمم والملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دار التراث.
۲۵. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۶۲)، مجمع البحرین، تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
۲۶. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۴)، الامالی، قم: دارالثقافة.
۲۷. عالمزاده نوری، محمد (۱۳۹۲)، استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۸. علیزاده، مهدی (۱۳۹۰)، «اخلاق چیست؟ تحلیلی فرااخلاقی از مفهوم حیث اخلاقی»، پژوهش های اخلاقی، ش ۳، ص ۹۹-۱۲۴.
۲۹. فیومی، احمد بن محمد (۲۰۰۱م)، المصباح المنیر، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۳۰. قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۲)، «روش الگویی در تربیت اسلامی»، مجله معرفت، ش ۶۹، ص ۲۵-۳۷.
۳۱. قیومی، جواد (۱۳۸۹)، صحیفه الزهراء، قم: دفتر انتشارات اسلامی.





۳۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، چاپ سوم، بیروت: الوفا.
۳۳. محدث نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۳۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹)، اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن و حدیث، تهران: دارالحدیث.
۳۵. مصباح، مجتبی و دیگران (۱۳۹۱)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
۳۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴)، آموزش عقاید (دوره سه جلدی در یک مجلد)، چاپ هفدهم، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۷. _____ (۱۳۸۷)، جامی از زلال کوثر، تحقیق و نگارش محمدباقر حیدری، چاپ هشتم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
۳۸. _____ (۱۳۹۱)، اخلاق در قرآن، چاپ پنجم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، سیری در سیره نبوی، چاپ بیست و نهم، تهران: صدرا.
۴۰. _____ (۱۳۸۶)، اسلام و نیازهای زمان، چاپ هجدهم، تهران: صدرا.
۴۱. _____ (۱۳۸۷)، آشنایی با قرآن، چاپ هشتم، تهران: صدرا.
۴۲. _____ (۱۳۸۹ «الف»)، علل گرایش به مادگرایی، چاپ سی و سوم، تهران: صدرا.
۴۳. _____ (۱۳۸۹ «ب»)، فلسفه اخلاق، چاپ چهارم، تهران: صدرا.
۴۴. معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران: دبیر.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، زهرا (س) برترین بانوی جهان، چاپ سیزدهم، قم: سرو.